



## مفهوم تروریسم

### \*نوروز کارگری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۸

#### چکیده

تروریسم از جمله موضوعاتی است که امروزه چالش بزرگی برای جهان متمدن به حساب می‌آید. با وجود مشکلات بسیاری که در این زمینه ایجاد شده است و علیرغم تلاش‌های بسیاری که به نظر می‌رسد دولت‌ها در راستای مبارزه و پیشگیری از تروریسم صورت داده‌اند، این موضوع همچنان به عنوان یک مش‌کل لاینحل باقی مانده است. عمده مشکل موجود در این راه به مفهوم تروریسم باز می‌گردد. عدم توانایی جامعه بین‌المللی برای رسیدن به اجماعی از تروریسم خود بسته به دیدگاه‌های متفاوت دولت‌ها است که این دیدگاه‌ها نیز خود بسته به منافع سیاسی دولت‌ها تغییر می‌کنند. در این راه تلاش‌های بی‌نتیجه زیادی صورت گرفته است که هر یک حوزه‌های متفاوتی را در بر می‌گیرد. گرچه در عرصه سیاسی تروریسم دارای یک بار معنایی نسبی است، با این حال در عرصه حقوقی تلاش‌های چندی در حوزه حقوق داخلی به انجام رسیده است که می‌تواند نقطه آغاز خوبی برای مبارزه منطقی و عادلانه با اقدامات تروریستی باشد. مقاله حاضر تلاشی است برای ارائه دورنمایی از معنای تروریسم، آنگونه که در لغت آمده است و نسبت معنایی آن در حوزه سیاست و حقوق نیز بر آن گواهی می‌دهد. با این هدف نمی‌توان انتظار ارائه تعریفی از تروریسم در انتهای مقاله داشت چرا که ادعای ارائه چنین تعریفی به گونه‌ای که با پذیرش عمومی موجه شود، ادعایی گزاف است که تنها نتیجه آن ارائه تعریفی نسبی در کنار سایر تعاریف موجود است.

**واژگان کلیدی:** تروریسم، معنا شناسی تروریسم، نسبت معنایی تروریسم.

#### مقدمه

تروریسم برای هر کس معنایی خاص دارد. برخی اقدامات تروریستی را می‌ستایند و برخی آن را نهی می‌کنند، با این حال هیچکس تمایلی ندارد خود را تروریست بداند. گروه‌هایی که به وضوح و با اجماعی تقریباً همه گیر درگیر در فعالیت‌های تروریستی هستند نیز هرگز خود را تروریست نمی‌دانند بلکه در عوض از واژه‌هایی زیبا در وصف خود استفاده می‌کنند. برخی خود را «آزادی‌خواه»<sup>۱</sup> می‌نامند که در راه مقدس آزادی مبارزه می‌کنند، برخی خود را «مجاهد»<sup>۲</sup> می‌دانند تا اقدامات خود را نبردی در راه خدا نشان دهند، برخی خود را «استقلال‌طلب»<sup>۳</sup> می‌دانند و برخی دیگر «انقلابی»<sup>۴</sup> ولی همه در یک چیز اشتراک دارند و آن ارتکاب یک رفتار به صورت خشونت آمیز است.

فارغ از اینکه خشونت‌طلبان خود را چه می‌نامند، حقیقت غیر قابل انکار در این باره آن است که خشونت نهفته در اقدامات تروریستی قابل اغماض نیست و چاره‌ای نیست جز آنکه برای حفظ صلح و امنیت عمومی اینگونه اقدامات را کنترل کرد. با این حال برای این منظور نخست باید این مفهوم را تعریف کنیم تا پس از آن شاید بتوانیم به مبارزه با آن دلخوش باشیم و ببینیم که برای صلح و امنیت باید در پی مبارزه با چه چیزی باشیم؟ و این کار با تمرکز بر حمایت از چه اهدافی انجام دهیم؟ از این رو سوال اساسی این است که تروریسم چیست که مخل صلح و امنیت ماست؟

برای پاسخ به این سوال می‌توان از ملاکی قابل استفاده در حقوق کیفری بهره برد تا دید که چگونه بر اساس این ملاک می‌توان یک اقدام تروریستی را بازشناخت. بر اساس کلیات جرم‌انگاری در حوزه کیفری، برای تلقی یک رفتار به عنوان رفتار مجرمانه، به طور کلی به سه عامل می‌توان توجه داشت: نفس عمل ارتكابی، مرتکب عمل و انگیزه مرتکب. برای ارائه تعریف از تروریسم می‌توان این سه شاخص را به مدد گرفت. تروریسم به طور کلی متضمن کشتن یا صدمه زدن به افراد و تخریب اموال است.

<sup>۱</sup> - آزادی خواهان ایرلند در مبارزه با انگلستان

<sup>۲</sup> - مجاهدان افغانی و عرب در گروه‌های شبه نظامی اسلامی مانند القاعده

<sup>۳</sup> - استقلال طلبان تامیل

<sup>۴</sup> - انقلابیون فرانسه

چنانچه بخواهیم تعریف تروریسم را بر مبنای عمل ارتكابی قرار دهیم باید تمامی خشونت‌های مشابه را تروریسم بدانیم و حال آنکه در عدم پذیرش این امر تردید زیادی وجود ندارد. صرف استفاده از این ملاک ما را در حل مساله کمک نخواهد کرد، چرا که بسیاری از اقدامات خشونت‌آمیز هستند که با وجود میزان بالای خسارات مالی و جسمانی در عمل تحت عنوان اقدام تروریستی شناخته نمی‌شوند. نمونه آن جنایات صورت گرفته در جنگهای مختلف و به صورت مشخص حمله اتمی آمریکا به ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم هستند. این اقدام اخیر گرچه خسارات بسیاری را موجب شد، اما بر اساس برداشت‌های موجود هیچگاه به عنوان اقدام تروریستی شناخته نشد. از این رو آنچه تروریسم را تعریف می‌کند، نمی‌تواند صرف عمل صورت گرفته باشد.

با این نتیجه به سراغ ملاک دوم یعنی شخصیت مرتکب عمل می‌رویم. بر این اساس می‌توان گفت که تروریسم چیزی است که توسط یک فرد یا گروه غیردولتی انجام گیرد. دلیل این گفته آن است که ترور اقدامی است که توسط دولت به معنای قدرت سیاسی برتر تعریف می‌شود و از این رو همواره اقدامات علیه قدرت را در بر می‌گیرد و دولتی بودن مرتکب، عمل را از دایره تروریسم خارج می‌کند. این ملاک نیز نمی‌تواند کاملاً درست به نظر برسد چرا که اصولاً تروریسم مبنای منشأ خود را از اعمال ارتكابی توسط دولت‌ها می‌گیرد و اساساً تروریسم با اقدامات خشونت‌بار دولت‌ها وارد عرصه مطالعات سیاسی و سپس حقوقی شد،<sup>۱</sup> و به علاوه اقدامات تروریستی بسیاری انجام گرفته‌اند که انگشت اتهام در آنها بلافاصله به سوی دولت‌ها نشانه رفته است؛ نظیر انفجار هواپیمای پان امریکن بر فراز لاکربی در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸ که بلافاصله اتهام متوجه دولت لیبی شد. توجه به اسناد بین‌المللی مربوط به تروریسم و نیز موضع‌گیری-

<sup>۱</sup> - اشاره است به نقطه آغاز شکل‌گیری تروریسم در دوران انقلاب فرانسه. تروریسم در دوران انقلاب فرانسه در اواخر دهه ۱۸۷۰، به ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی به شیوه‌های غیرمعمول، بدل گردید. رهبران انقلاب در پی آن بودند تا عقاید مخالف انقلاب را تحت فشار قرار دهند، و از این رو نه تنها گیوتین را به عنوان ابزاری برای حذف فیزیکی مخالفان مورد استفاده قرار دادند، بلکه در این راه به رعب و وحشت عمومی نیز به عنوان ابزاری برای حاکمیت خود متوسل شدند. حکومت ترور در پی آن بود که دولت آسیب‌پذیر انقلاب را تثبیت کرده و تمام کسانی که با این قدرت نوظهور مخالف بودند را، سرکوب کند.

۳۲۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

های جهانی در این حادثه نشانگر آن است که علیرغم مرتکب دولتی این حادثه، عنوان تروریسم یا اقدام تروریستی در مورد آنها مصداق دارد.

صرف توسل به انگیزه مرتکب نیز ما را در دریافت مفهوم تروریسم کمکی نمی‌کند زیرا تروریست‌ها خود را همواره افرادی با انگیزه‌های آرمانی معرفی می‌کنند که در راه رسیدن به آرمان خود متوسل به چنین اقداماتی می‌شوند و حتی در مواردی انگیزه‌های متعالی‌تر از دولت‌ها را دنبال می‌کنند، با این حال اقدامات خشونت بار آنها حتی از نگاه مردمی که ادعای نمایندگی آنها می‌شود، قابل تایید نیست..

از این رو باید در پی ملاک یا ملاک‌های دیگری بود تا اینکه ببینیم آیا اساساً امکان ارائه تعریفی جامع و کامل از تروریسم وجود دارد یا خیر و در صورت مثبت بودن پاسخ، تعریف آن چیست؟

برای پاسخ دادن به این پرسشها می‌توان درگیر در مباحث سیاسی و فلسفی حاکم بر این موضوع شد تا به این ترتیب گره محکمتری بر دشواری‌های موجود در شناخت مفهوم تروریسم افزوده شود یا آنکه می‌توان با ساده سازی موضوع، بحث را از ترمینولوژی تروریسم آغاز کرد و با تحلیل ریشه‌های تاریخی تروریسم، به نگاهی ساده تر از آن دست یافت تا به این ترتیب بتوان به شناختی از این مفهوم و ارائه تعریفی از آن امید داشت.

### الف: واژه شناسی تروریسم

علیرغم توجه طولانی مدت جامعه بین‌المللی به موضوع تروریسم، تاکنون تعریف جامع پذیرفته شده‌ای از لفظ تروریسم ارائه نشده است. عمده کنوانسیون‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای موجود در این زمینه، تنها در پی جرم‌انگاری مصادیق و اعمالی خاص و ارائه پیشنهاداتی جهت تسهیل استرداد یا تعقیب مرتکبان اقدامات تروریستی بوده‌اند،<sup>۱</sup> فارغ

<sup>۱</sup> - برخی از مهمترین این اسناد عبارتند از:

کنوانسیون‌های سرکوب تصرف غیر قانونی هواپیما ۱۹۷۰

کنوانسیون سرکوب رفتارهای غیر قانونی ضد هواپیمایی غیرنظامی ۱۹۷۱

کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرایم علیه افراد تحت حمایت بین‌المللی از جمله دیپلمات‌ها ۱۹۷۳

از اینکه آیا عمل مورد بحث از حیث ماهیت و چیستی آن می‌تواند در قالب یک تعریف جامع و کلی، یک عمل تروریستی تلقی شود یا خیر.<sup>۱</sup>

در راستای ساده سازی فهم این پدیده می‌توان بحث را از واژه شناسی آغاز کرد. در دانشنامه سیاسی ترور به این صورت تعریف شده است: «ترور در لغت به معنای وحشت و به وحشت افکندن است و در سیاست به عمل حکومت یا گروه‌هایی اطلاق می‌گردد که برای حفظ قدرت یا مبارزه با دولت با اعمال خاص ایجاد وحشت می‌کند.»<sup>۲</sup> در معنای سیاسی جدید خود، «ترور ماخوذ از فرانسه و به معنی قتل سیاسی بوسیله اسلحه در فارسی متداول است، ترور کردن، قتل سیاسی با اسلحه و تروریست، طرفدار خشونت عمل و ایجاد رعب و ترس است.»<sup>۳</sup>

از نظر لغوی ترور را استفاده از خشونت برای ایجاد ترس یا وحشت بویژه به عنوان وسیله‌ای جهت تاثیر گذاردن بر اعمال یا تصمیمات سیاسی دولت‌ها می‌دانند.<sup>۴</sup> برخی از

کنوانسیون بین‌المللی ضد گروگان‌گیری ۱۹۷۹

کنوانسیون حمایت فیزیکی از مواد هسته‌ای ۱۹۸۰

پروتکل سرکوب رفتارهای خشونت‌آمیز غیرقانونی در فرودگاه‌های مورد استفاده هوانوردی بین‌المللی غیرنظامی  
۱۹۸۸

کنوانسیون سرکوب اقدامات غیر قانونی ضد امنیت پروازهای غیرنظامی ۱۹۸۸

پروتکل سرکوب اقدامات غیر قانونی ضد تاسیسات ثابت در فلات قاره ۱۹۸۸

کنوانسیون بین‌المللی سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی ۱۹۹۷

کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تروریسم هسته‌ای ۲۰۰۵

کنوانسیون علامت‌گذاری مواد منفجره پلاستیکی به منظور پیشگیری از آنها ۱۹۹۱

کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تامین مالی تروریسم ۲۰۰۱

<sup>۱</sup> - برخی بر این عقیده‌اند که علت اصلی ناتوانی جامعه بین‌المللی در رسیدن به تعریفی اجماعی از تروریسم، وجود اختلاف نظر در خصوص مشروعیت اعمال و اقدامات رهایی بخش می‌باشد. (عبداللهی، محسن، پیامدهای حوادث یازده سپتامبر بر مبارزه با تروریسم، ماهنامه حقوقی (معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری) سال اول، شماره اول، آبان ۱۳۸۱، ص ۱۸).

<sup>۲</sup> - آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، انتشارات سهروردی، ۱۳۶۴، صص ۹۹-۹۸.

<sup>۳</sup> - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر معین، تهران، انتشارات چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ص ۶۳۶.

<sup>۴</sup> - گانز، برایان. آ، فرهنگ حقوقی بلک، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص ۵۱۳-۵۱۲.

۳۲۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

نویسندگان به طور کلی تروریسم را خشونت شدیدی می‌دانند که به صورت یک تهدید ناشناخته و پیش‌بینی نشده اعمال می‌گردد. به عبارتی در این تلقی تروریسم عبارت است از خشونت‌های ناشی از فعالیت‌های بشری.<sup>۱</sup> به طور کلی جانمایه تعریف تروریسم در این برداشت ایجاد وحشت در مردم برای تحت فشار قرار دادن حکومت می‌باشد.<sup>۲</sup> این معنای اولیه ترور است که علاوه بر شیوه ارتکاب اقدام صورت گرفته، ناظر است بر نتیجه مترتب بر آن که عبارت است از ایجاد ترس و وحشت و با انگیزه اثرگذاری بر سیاست‌ها و برنامه‌های دولت.

#### ب: معنانشناسی تروریسم

در کنار مفهوم لغوی تروریسم، این واژه در طی زمان ابعاد مختلفی را در معنا به خود اختصاص داده است. اقدامات خشونت‌بار به عنوان ابزاری در دسترس برای تمامی گروه‌هایی که برای اهداف مختلف مبارزه می‌کرده‌اند، وجود داشته است تا اینکه به عنوان یک مفهوم سیاسی از زمان انقلاب فرانسه در فرهنگ سیاسی مورد استفاده قرار گرفت. گرچه این پدیده همواره همراه است با خشونت و ترس و وحشت ناشی از این خشونت، با این حال بر اساس مفهوم امروزی، تروریسم پدیده‌ای است مختص زمان صلح، چرا که مبارزات مسلحانه باید بر اساس حقوق و قواعد جنگی خصوصاً کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه در مورد حقوق و مقررات جنگ در زمین و نیز کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن مد نظر قرار داشته باشد و از همین منظر تفسیر شود. در این چارچوب یکی از شرایط لازم برای تحقق اقدامات تروریستی آن است که در زمان صلح انجام گرفته باشند. بر این اساس اگر عمل مشابهی در زمان جنگ انجام می‌گرفت،

---

<sup>۱</sup> - جلالی، محمود، تروریسم از دیدگاه حقوق بین‌الملل با تاکید بر حادثه ۱۱ سپتامبر، نامه مفید، سال یازدهم، شماره ۵۲، اسفند ماه ۱۳۸۴، صص ۵۱-۵۲.

<sup>۲</sup> - عبدالهی، محسن، کیهانلو، فاطمه، سرکوب تروریسم، معاونت پژوهش، تدوین و تفسیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ اول ۱۳۸۴، ص ۶.

می‌توانست به عنوان تخلفی از قواعد جنگ تلقی شود<sup>۱</sup> که مصداق بارز و ظاهر آن، جنایت جنگی است. افزون آنکه اگر تروریسم را بر اساس نتیجه آن، یعنی ترس و وحشت، قضاوت کنیم، جنگ خود ابتدائاً به عنوان یک منبع ترس و وحشت قابل طرح خواهد بود فارغ از شیوه و نوع جنگیدن.

از حیث تاریخی اعمال خشونت علیه افراد جهت ایجاد ترس، پدیده جدیدی نیست و می‌تواند تاریخچه‌ای باستانی داشته باشد و به نوعی همزاد باشد با معارضات مبتنی بر قدرت. با این حال گرچه به صورت رسمی استفاده از چنین اقداماتی از زمان انقلاب فرانسه شایع و معمول بوده است، با این وجود، استفاده از آن در عرصه حقوق و سیاست بیشتر در سالهای اخیر بیشتر شایع بوده و در سطح بین‌المللی دغدغه و هراس آفریده است. واژه «ترور» برای نخستین بار برای توصیف دولت ترور که متعاقب انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ در این کشور حاکمیت یافته بود به کار برده شد. اما نخستین پاسخ‌های قانونی به تروریسم و تلاش در جهت تعریف این واژه را می‌توان از قرن بیستم مشاهده نمود. با این حال با وجود گذشت مدت طولانی از این امر، همواره مشکلاتی اساسی در این راه وجود داشته است.<sup>۲</sup>

برخی معتقدند که نخستین تلاش برای ارائه تعریف از تروریسم به کنفرانس‌های بین-المللی برای یک پارچه‌سازی حقوق جزا<sup>۳</sup> بر می‌گردد.<sup>۴</sup> از آن زمان تا به امروز، حقوقدانان، دانشگاهیان، قانون‌گذاران داخلی کشورها، سازمان‌های منطقه‌ای و نهادهای

<sup>۱</sup> - نقدی، حجت، حقوق بین‌الملل و مبارزه با تروریسم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۸.

<sup>۲</sup> - سابقه استفاده از این واژه در ایران برای نخستین بار به سال ۱۳۲۹ قمری بر می‌گردد که در گزارشی که از سوی کابینه آقا میرزا محمد ولی خان سپهدار اعظم در تاریخ ۱۴ ربیع الاول ۱۳۲۹ منتشر گردید یکی از اسباب وضعیت ناگوار کشور که مقابله دولت با آن ضروری دانسته شده است، تروریسم بود که در بند اول از بندهای چهارگانه اسباب مخل نظم و امنیت کشور ذکر گردیده است.

<sup>۳</sup> - International Conferences for Unification of Penal Law.

این کنفرانس‌ها بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ در پایتخت‌های کشورهای اروپایی برگزار گردیدند.

<sup>۴</sup> - Levitt, Geffery, Is terrorism Worth Defining? Ohio Northern University Law Review, No 13, 1986.

بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد، تعاریف متعدد و متنوعی را از این واژه ارائه کرده‌اند. تحقیقی در سال ۱۹۸۸ انجام گردید که نشان می‌داد حدود ۱۰۹ تعریف مختلف از تروریسم ارائه شده است.<sup>۱</sup> لازم به ذکر نیست که شمار این تعاریف روز به روز نیز افزوده می‌گردد. علیرغم همه این اقدامات که پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شکلی مضاعف به خود گرفته است، می‌توان ادعا کرد که تلاش در جهت ارائه یک تعریف کلی قابل قبول از تروریسم با شکست مواجه شده است، چرا که سیلیت معنایی نهفته در آن مانع از اجماع در رسیدن به تعریفی دقیق از این واژه بوده است.

برخی برای نشان دادن دشواری موجود در راه ارائه تعریف از تروریسم، تلاش در جهت ارائه یک تعریف قانونی از آن را به جستجوی «جام مقدس»<sup>۲</sup> تشبیه کرده‌اند.<sup>۳</sup> برخی دیگر نظیر «ریچارد باکستر»، قاضی سابق «دیوان بین‌المللی دادگستری»<sup>۴</sup>، استفاده عملی از تعریف قانونی تروریسم را زیر سؤال برده‌اند، با این بیان که: «مایه تأسف است که یک مفهوم حقوقی تروریسم بر ما تحمیل گردیده است. این واژه غیر دقیق و مبهم بوده و از همه بیشتر هیچ گونه استفاده عملی حقوقی در بر ندارد»<sup>۵</sup> قاضی «روزالین هیگنیز» نیز تحت تأثیر همین دیدگاه‌ها معتقد است که تروریسم یک واژه بدون اهمیت حقوقی است و صرفاً روش مناسبی است برای اشاره به فعالیت‌های دولتی یا فردی که در سطح گسترده مردود شمرده شده است و در آنها یا روش‌های به کار رفته غیرقانونی است، یا آماج‌های حمایت شده، یا هر دو.<sup>۶</sup> برخی دیگر در دیدگاهی بدبینانه عدم تعریف اجماعی از تروریسم را ناشی از عدم تمایل غرب در ارائه چنین تعریفی دانسته‌اند. بر این اساس دولت‌مردان آمریکایی و غربی به درستی تروریسم را

<sup>۱</sup> - اردبیلی، محمد علی، مفهوم تروریسم، تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش)، تهران، روزنامه رسمی، چاپ اول تابستان ۱۳۸۱، ص ۱۱۹.

<sup>۲</sup> - The Holy Grail.

<sup>۳</sup> - Levit, Geffry, Op cit, p 97.

<sup>۴</sup> - International Court of Justice.

<sup>۵</sup> - Boxter, Richard. R, A Skeptical Look at The Concept of Terrorism, Akron Law Review, 1974, p 380.

<sup>۶</sup> - هیگنیز، روزالین، حقوق بین‌الملل عام تروریسم، ترجمه زهرا کسمتی، در: تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، گردآوری و ویرایش علیرضا طیب، تهران، نشر نی، چاپ دوم ۱۳۸۴، ص ۳۲۳.



تعریف نکرده‌اند و تنها به اشاره‌ای از آن بسنده نموده‌اند، زیرا چنانچه واژه مزبور به مفهوم اصلی آن تفسیر گردد بی‌تردید آمریکا و کشورهای غربی وابسته به آن، اگر تنها گروه‌های تروریستی جهان نباشند، در شمار اولین کسانی قرار خواهند داشت که برای رسیدن به اهداف سیاسی متوسل به ترور می‌شوند.<sup>۱</sup> به علاوه که تعریف کشورهای غربی از تروریسم تنها به گونه‌ای است که اعمال خود را از هرگونه فعالیت تروریستی مبرا بدانند و گروه‌ها و کشورهایی که با آنها در حال جنگ هستند را تروریست بنامند.<sup>۲</sup> علیرغم این نظر، نباید غافل بود که فقدان یک تعریف که از لحاظ حقوق بین‌الملل مورد قبول باشد به این معنا نیست که تروریسم یک شکل غیر قابل توصیف از خشونت است یا اینکه دولت‌ها در پاسخ به این پدیده بر اساس حقوق بین‌الملل محدودیتی ندارند. برعکس می‌توان خصوصیات و ویژگی‌های چندی را برشمرد که متناوباً با وقایع تروریستی همراه هستند و شاخص‌هایی را به دست می‌دهند که از آنها می‌توان تعهدات حقوقی بین‌المللی دولت‌ها را در مبارزه با تروریسم شناخت و ارزیابی کرد.<sup>۳</sup>

برای شناخت تروریسم، هدف یا انگیزه، آشکارا یک عنصر کلیدی است. این هدف عبارت است از ایجاد ترس یا نگرانی شدید برای وادار ساختن آماج اصلی خود (دولت) به انجام رفتارهای خاص. در تعریف تروریسم هدف با روش در هم می‌آمیزد و برداشت ما را از تروریسم شکل می‌دهد.<sup>۴</sup> به این معنا که شیوه استفاده شده خشونت آمیز است و همزمان انگیزه ارتکاب رفتار یک انگیزه سیاسی است.

حوادث تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و حملات تروریستی در بالی، لندن و سایر کشورها، جهان را به سمت عصر ترور برده و بحث‌های داغی را در مورد این که آیا بایستی تروریسم را تعریف کرد یا خیر، برانگیخت. تردیدی نیست که در حال حاضر

<sup>۱</sup> - نقدی، همان، ص ۲۰.

<sup>۲</sup> - همان.

<sup>۳</sup> - خانبانی، پریسا، ضوابط حقوق بشری مبارزه با تروریسم بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید

بهشتی، پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۰.

<sup>۴</sup> - همان، ص ۱۳.

۳۲۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

واژه تروریسم در بحث‌های حقوقی و مجادلات سیاسی کاربرد فراوانی یافته و در بسیاری از قوانین داخلی کشورها مورد اشاره قرار گرفته است. به عنوان نمونه قوانین داخلی کشورهای بسیاری، اقدامات تروریستی را جرم‌انگاری نموده و به پلیس اختیارات گسترده‌ای جهت تعقیب و دستگیری مظنونان این جرایم داده است، نظام‌های نظارت الکترونیکی مظنونان اقدامات تروریستی ایجاد نموده اند، سرمایه‌های سازمان‌های تروریستی را ضبط کرده و ضمانت اجراهای تجاری را بر کشورهای که گروه‌های تروریستی را تشویق یا حمایت می‌کنند، تحمیل نموده‌اند.

این مثال‌ها نشان می‌دهد که تا چه اندازه تروریسم به عنوان یک مفهوم حقوقی در سیستم‌های حقوقی بسیاری از کشورها نفوذ کرده است و حال آنکه همچنان در خصوص کلیت مفهومی آن بحث و تردید بسیار وجود دارد. نظر به این که تلقی یک فرد به عنوان تروریست و یا یک عمل به عنوان تروریسم، عواقب سیاسی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و فرهنگی شدیدی را در پی دارد، حقوقدانان بایستی در پی تشریح این مفهوم به نحو احسن باشند. خطری که در این زمینه وجود دارد این است که در صورت عدم ارائه تعریف روشن و واضح از تروریسم، اختیارات دولت ممکن است در راستای مبارزه با اقدامات مخالف برنامه‌های خود بسیار گسترده گردد و آزادی‌های بسیاری از افراد را در معرض تضییع قرار دهد.

فارغ از اینکه می‌توان تعریفی واضح و جامع از تروریسم ارائه کرد یا خیر، آنچه که در آن تردیدی وجود ندارد مذمومیت و محکومیت اقدامات خشونت آمیزی است که تحت عنوان اقدامات تروریستی قابل دسته بندی هستند. گرچه گفتیم که درک صریح و واضحی از تروریسم وجود ندارد اما همگان در محکوم کردن آن ذره‌ای تردید ننموده‌اند. بر خلاف جریان معمول می‌توان تروریسم را به گونه‌ای دیگر دید؛ به این صورت که معتقد بود تروریسم همیشه دارای بار ارزشی منفی نیست. این ارزیابی ما بدون شک تماماً با آنچه که امروزه حاکم بر بینش ترور است ناهمگون می‌باشد. هیچ کس خود را به عنوان تروریست قبول نخواهد داشت و طرفین متقابلاً همدیگر را متهم به ترور

خواهند نمود. نتیجتاً طرفی که حق با او خواهد بود کسی است که حاکم بوده، موفق بوده و از امکانات اطلاعاتی به بهترین نحوی استفاده کرده است.<sup>۱</sup>

به عبارت بهتر بر اساس این برداشت، آنچه که مفهوم تروریسم را معنی می‌کند قدرت است و نه استدلال‌ات و بحث‌های حقوقی و قانونی و از این رو شاید ارائه تعریفی از تروریسم نه ممکن باشد و نه ضروری. حاکم بودن قدرت در ارائه تعریف از تروریسم موجب گردیده است تا تروریست همیشه بین قهرمانی و خیانت سر در گم باشد؛<sup>۲</sup> در صورت پیروزی در مبارزه و رسیدن به قدرت، یک قهرمان خواهد بود و در غیر این صورت یک مجرم شرور و مستحق مجازات.

هدف از این نوشتار تعیین اعمال تروریستی از غیر آنها نیست، بلکه منظور از آن اشاره به برخی از مشکلات سیاسی و عملی موجود بر سر راه حقوق‌دانان جهت ارائه یک تعریف از این مفهوم می‌باشد. نبود یک اجماع در تعریف تروریسم، خود نشانگر ماهیت سیاسی غیر قابل انکار آن است که شاید بتوان به بهترین نحو ممکن آن را در این عبارت که «تروریست از نظر یک فرد، مبارز آزادی از نظر دیگری است» نشان داد.

در این مقاله بر آنیم تا مشکلات موجود در ارائه یک تعریف حقوقی از تروریسم را نشان دهیم، گر چه به این امر واقفیم که ارائه تعریف حقوقی از یک مفهوم سیاسی تا چه اندازه می‌تواند دشوار بوده و تحت تأثیر مصالح سیاسی قرار گیرد، با این حال با توجه به آن چه که گفته شد و به علاوه مشکلات اساسی که بر سر راه حاکمیت قانون و نیز نظام حقوق بشر ایجاد می‌نماید، چاره‌ای جز ارائه یک تعریف حقوقی جهت نشان دادن واکنش حقوقی در برابر آن وجود ندارد.

<sup>۱</sup> - دیلیاک، عبدالرحمن، تروریسم، ترجمه واحد تدوین و ترجمه معاونت فرهنگی، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول پاییز ۱۳۶۸، ص ۱۳.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۱۵.

### ج: تروریسم در گستره معنایی نسبی

مطابق با آنچه که گفته شد به هنگام تعریف تروریسم با دو ایده متفاوت روبرو می‌شویم که با یکدیگر کاملاً در تضاد هستند. از یک سو ساختار چنین تعریفی ساده به نظر می‌رسد. تعاریف بسیاری در این باره ارائه شده‌اند اما هیچ کدام از آنها غیر قابل بحث نیستند. به علاوه واژه تروریسم معانی ضمنی بسیاری را در بر دارد و از این رو می‌توان این واژه را اساساً یک مفهوم نسبی دانست.

نسبیت مفهوم تروریسم و جدال بر سر ارائه یک تعریف واحد از این واژه، خود از آن روست که «مفاهیمی هم چون امنیت ملی از جمله مفاهیم بالاتر برای تروریسم تلقی می‌شوند و رویکرد خاص نسبت به مفهوم امنیت و منافع ملی، کاملاً بر مدلول تروریسم و حتی مصادیق آن موثر بوده است. از آنجا که مفهوم امنیت و منافع در زمان‌ها و کشورهای مختلف، و نیز در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، متغیر و نسبی و متحول است، لذا مفهوم تروریسم نیز به عنوان شبه متغیر وابسته، متأثر از این نسبیت خواهد بود. از این منظر هر نوع تلاش برای دستیابی به تعریف مشترک از تروریسم و تروریسم بین‌المللی و نیز اجماع و اتفاق بر مصادیق خاص، به تلقی مشترک از امنیت و منافع، خصوصاً در سطح بین‌المللی بستگی دارد.»<sup>۱</sup> به علاوه که در دید مرتکبان اقدامات تروریستی هیچگاه اقدامات خود آنها و همفکران آنها تحت عنوان نازیبای تروریسم قرار نخواهد گرفت. بدین ترتیب نسبیت این مفهوم علاوه بر نسبیت مظلوف آن، شیوه نگاه به پدیده را نیز شامل می‌شود.

با وجود چنین نسبیتی در واژه و مفهوم تروریسم، به نظر می‌رسد که نشان دادن شاخص‌هایی برای شناسایی آن نه تنها امری ضروری، که امری است ممکن، زیرا بدون ارائه یک تصویر از تروریسم نه می‌توان یک عمل خشونت‌آمیز را به عنوان تروریسم معرفی کرد و نه می‌توان یک چنین عملی را محکوم یا توجیه کرد. گرچه تعاریف

---

<sup>۱</sup> - ره‌پیک، سیامک، تحلیل تروریسم در نسبیت مفهومی امنیت و منافع ملی، در تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده به همایش)، چاپ روزنامه رسمی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱، همان، ص ۲۲۰.

مختلف بسیاری از تروریسم وجود دارد، اما می‌توان گفت که مناظرات بسیار میان سیاست‌مداران و دانشگاهیان درباره ماهیت تروریسم به طور کلی امری ساختگی و غیر مفید است. به واقع ویژگی‌های ذاتی تروریسم به گونه‌ای هستند که مانع از رسیدن به یک تعریف جامع از آن نیستند.

همین نسبت منجر به ارائه تعریفی می‌شود که به یافتن اشتراکات کامل در آنها دشوار یا شاید غیرممکن است و حتی اگر بتوان تعریفی واحد از آن یافت بی تردید در یافتن مصادیق عملی آن دشواری زیادی وجود خواهد داشت.

#### ۱: گستردگی تعاریف تروریسم

اگر در صدد ارائه یک تعریف از تروریسم باشیم در گام اول با تعاریف گسترده‌ای مواجه می‌شویم که از این واژه ارائه شده‌اند. این تعاریف، بسیار مختلف هستند و هیچ گونه اجماعی در این باره به چشم نمی‌خورد. تمامی مطالبی که در باب تروریسم نگاشته می‌شوند با ذکر این مقدمه آغاز می‌شوند که تعریف تروریسم همچنان امری مناقشه‌برانگیز است. این گستردگی به حدی است که نه تنها متخصصین در رسیدن به یک نقطه مشترک هم عقیده نیستند، بلکه سیاست‌مداران و دست‌اندرکاران قضایی نیز در این عرصه حیرانند.

تعاریف ارائه شده از تروریسم فراوان هستند و هر کس بنا به دریافت خود از این پدیده، آن را به گونه‌ای تعریف کرده است. برخی آن را ایجاد وحشت در بین مردم برای تحت فشار گذاشتن حکومت می‌دانند،<sup>۱</sup> برخی دیگر بر این اعتقادند که «هر نوع توسل و استفاده از ترور یا خشونت و اقدام‌های مجرمانه‌ای که از سوی یک گروه سازمان یافته علیه افراد یا اموال آنها، یا تهدید غیرقانونی به استفاده از این روش‌ها با هدف مرعوب کردن دولت‌ها یا ملت‌ها که شدیداً موجب سلب امنیت و آسایش

<sup>۱</sup> - عبدالهی، محسن، مفهوم تروریسم بین‌المللی و تعریف آن در جامعه بین‌المللی، در عبدالهی، محسن، کیهانلو، فاطمه، سرکوب تروریسم در حقوق بین‌الملل معاصر، اداره چاپ و انتشارات ریاست جمهوری، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۶.

عمومی است، تروریسم تلقی می‌شود<sup>۱</sup>، برخی دیگر آن را یک شیوه مبارزه می‌دانند که به قصد ایجاد وحشت صورت می‌گیرد، نه برای نابودی افراد<sup>۲</sup>، و برخی دیگر نیز در تعریف تروریسم بیان داشته‌اند که «تروریسم گونه‌ای از خشونت است که توأم با استفاده سیستماتیک یا توسل به قتل، جرح و خرابکاری برای تهدید یا ترساندن گروه مورد نظر، که وسیع‌تر از قربانیان آنی جرم می‌باشند و یا به منظور ایجاد جو رعب و هراس صورت می‌گیرد»<sup>۳</sup>.

ساده‌ترین اختلاف بین تعاریف موجود در این باره را می‌توان هدف تروریسم دانست. بر این اساس اگر تروریسم اعمال خشونت علیه دولت باشد، هدف از تعریف و جرم-انگاری آن، حمایت از تمامیت سیاسی دولت است و اگر هدف از آن حمایت از مردم باشد، تروریسم به عنوان خشونت علیه شهروندان تعریف می‌شود. هر چه که تعاریف در این زمینه بیشتر شده‌اند از رسیدن به یک نقطه اشتراک دورتر رفته‌اند، زیرا این تعاریف مختلف تنها نقاط اختلاف را دامن زده‌اند و نه نقاط اشتراک را.

برای ارائه یک تعریف باید تمامی مصادیق آن را شناخت و بر اساس ویژگی‌های مشترک این مصادیق، تعریفی را ارائه کرد که تمامی آن مصادیق را تحت پوشش قرار دهد. بدین ترتیب، تعریف باید بیانگر ویژگی‌های مشترک معمول مظاهر و مصادیق خود باشد اما در مورد تروریسم رسیدن به این ویژگی‌های مشترک دشوار است. نگاهی به آنچه تحت عنوان تروریسم مورد شناسایی قرار گرفته است به سادگی ما را به این ایده می‌رساند که این مصادیق تنها در نام با هم مشترکند، و در ماهیت هیچ نقطه و ویژگی مشابهی ندارند. بدین ترتیب تلاش برای یافتن تعریف از تروریسم ما را در برابر

<sup>۱</sup> - شاملو، باقر، تفکیک بین تروریسم و جرم سیاسی، در تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده به همایش)، چاپ روزنامه رسمی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱، ص ۱۴۰.

<sup>۲</sup> - اردبیلی، محمد علی، مفهوم تروریسم، در تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده به همایش)، همان، صص ۱۲۱-۱۲۰.

<sup>۳</sup> - نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۳۲۸-۳۲۶.

«توهم مفهومی»<sup>۱</sup> قرار می‌دهد و از این رو رفتن به سوی یافتن زبانی مشترک در این راه شاید تلاشی بیهوده خواهد بود چرا که هیچ اشتراکی در این مفهوم نمی‌توان دید.

## ۲: نسبت معنایی تروریسم

یکی از دلایلی که باعث عدم توفیق در رسیدن به تعریفی جامع از تروریسم می‌گردد، ماهیت معنایی واژه است. واژه تروریسم یک واژه توصیف‌گر نیست که در توصیف و بیان ویژگی‌های یک پدیده یا رفتار به کار برده شود بلکه واژه‌ای است که در بیان محکومیت یک رفتار به کار برده می‌شود. تروریسم از نظر مفهومی واژه‌ای است که به صورت بسیار مبهمی مورد استفاده قرار می‌گیرد و از این رو تعریف آن به صورت دقیق غیر ممکن است. در این تلقی، واژه تروریسم به عنوان ابزاری برای توهین و تکفیر دشمن به کار برده می‌شود و ابزاری است که به راحتی از سوی یک شخص یا شخصیت می‌تواند علیه دشمنانش به کار برده شود.

آنچه که گفته شد بحثی آشنا است و تقریباً همگان با آن آشنایی دارند. تروریسم تنها مربوط به دشمن است و از این رو برای تمیز اقدامات تروریستی باید دشمن را از دوست باز شناخت و از این رو دیدن یک فرد به عنوان دشمن یا دوست به ما کمک می‌کند تا اقدامات وی را تروریستی بدانیم یا خیر. کاربرد این واژه در راستای محکومیت رفتار دشمنان نشان می‌دهد که چرا اهمیت این واژه بسیار است و اجماع در مفهوم آن ناچیز. از نظر زبان‌شناختی این واژه را می‌توان یک «واژه شاخص»<sup>۲</sup> یا ضمیر مرجع دانست. همچون واژه‌هایی مانند «من»، «شما»، «اینجا»، «اکنون» و ... ، چرا که این واژه بسته به اینکه توسط چه کسی و در چه موقعیتی به کار برده می‌شود، معانی خاص به خود می‌گیرد.

بر همین اساس است که می‌توان گفت معنا کردن تروریسم غیر ممکن است چرا که تمایز میان اقدامات مشروع تحمیلی و خشونت‌های غیر مشروع ممکن نیست همانگونه

<sup>۱</sup> - Nominalistic Fallacy

<sup>۲</sup> - Indexical Term

۳۳۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

که تمایز میان یک قهرمان و یک وحشی، یا یک سرباز و یک قاتل همیشه ممکن نیست. این از آن روست که تروریسم واژه ای است که تنها متعلق به دشمنان، وحشیان و قاتلان است. بدین ترتیب واژه تروریسم تنها میان «آنها» (دشمنان وحشی) و «ما» (کسانی که مستحق استفاده از زور هستیم) مرزی ترسیم می‌کند نه اینکه مصادیقی را به ما نشان دهد یا ویژگی‌های مشترکی را برای باز شناختن برخی اقدامات به عنوان تروریسم معرفی کند.

#### د: مفهوم حقوقی تروریسم

برخی بر این باورند که تروریسم یک مفهوم قانونی نیست<sup>۱</sup> بلکه ترکیبی است از اهداف سیاسی-تبلیغاتی، و اعمال خشن،<sup>۲</sup> که این اعمال خشونت‌بار، راهی را برای رسیدن به اهداف سیاسی بر افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها می‌گشایند. بر اساس این تلقی، تروریسم تنها ابزاری است خشونت‌بار برای دست‌یافتن به اهداف سیاسی و بدون موضع‌گیری خاص حقوقی و از این رو نیازی به بررسی تروریسم از بعد حقوقی به نظر نمی‌رسد. با این حال با توجه به گستردگی این مفهوم در عرصه حقوق کیفری، و پیروی قانون-گذاران و حقوق‌دانان کیفری از این مفهوم، چاره‌ای جز پرداختن به آن، از بعد حقوقی نیست، به علاوه که از سال ۱۹۸۵ مبارزه با تروریسم در عرصه بین‌المللی در دستور کار پلیس بین‌الملل قرار گرفته است<sup>۳</sup> و نهادهای عدالت کیفری بین‌المللی، دست‌اندرکار

---

<sup>۱</sup> - به عقیده عده‌ای دیگر از نویسندگان، میان تروریسم و اقدامات تروریستی فرق بوده و آنچه که قابلیت داشتن جایگاه حقوقی دارد، اقدامات یا جرایم تروریستی است نه تروریسم. (رک: عالی پور، حسن، اقدامات تروریستی: موقعیت سنجی قانونی، ضرورت سنجی تقنینی، در مجله برداشت دوم، سال چهارم، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۲۱).

<sup>۲</sup> - پیتر گازر، هانس، اقدامات تروریستی و تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، ترجمه مریم نوروژی و طیبه اسدی، مجله پژوهش حقوقی، شماره هشتم، دی ماه ۱۳۸۳، ص ۲۰. نیز هیگینز، روزالین، حقوق بین‌الملل عام تروریسم، ترجمه زهرا کسمتی، در تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفت‌وگو، همان، ص ۳۲۲.

<sup>۳</sup> - Kondrasuk, Jack. N, **The Effect of 9/11 and Terrorism on Human Resource Management: Recovery, Reconsideration and Renewal**, Employee Responsibilities and Rights Journal, Vol 16, No 1, March 2004. p 27.



مبارزه با این پدیده شده‌اند. تصویب کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های بسیار، نشان از همین واقعیت دارد، به علاوه که در اکثر موافقتنامه‌های همکاری امنیتی میان کشورها، یکی از مسایل مورد توافق برای همکاری، مبارزه با تروریسم است. مفهوم تروریسم بحث‌های سیاسی و عامیانه بسیاری را ایجاد نموده است و نقش مهمی را در هر دو زمینه سیاسی و عامیانه بازی می‌کند و اگر حقوق کیفری در پی آن است که از این مباحثات عقب نماند، بایستی حقوقدانان یک تعریف کلی، که منعکس کننده یافته‌های جدید ما از تروریسم باشد ارائه نمایند و تلاش نمایند که این تعریف، واضح و منطبق با اصول کلی حقوق باشد. گرچه این بحث‌ها نشانگر اهمیت ارائه یک تعریف یا تصویر کلی از تروریسم است، با این حال مشکل ارائه یک تعریف کلی به گونه‌ای که برخی اقدامات مجاز نظیر اعتراضات را در بر نگیرد هم چنان باقی و پا بر جا خواهد ماند.

با وجود این توجهات حقوقی به تروریسم، به ویژه در عرصه بین‌المللی، به دلیل اختلاف نظرهای سیاسی در مورد این پدیده، تاکنون هیچ توافق عام بین‌المللی در تعریف آن حاصل نگردیده است. با وجود اینکه موضوع تروریسم از زمان تهیه و تدوین کنوانسیون جامعه ملل در سال ۱۹۴۷ درباره جلوگیری و سرکوب تروریسم مورد بررسی بوده است ولی تاکنون سوالاتی نظیر اینکه آیا اصولاً تروریسم باید تعریف گردد؟ چگونه باید تعریف گردد؟ و حوزه وسعت تعریف به چه میزانی باید باشد؟ بدون پاسخ باقی مانده است. علت این امر را محققین اختلاف نظرهای اصولی میان اندیش‌مندان سیاسی و حقوقی و دولت‌ها و گروه‌های مختلف دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

این پرسشها مانع از آن نگردیده اند که تعریفی از این پدیده در قوانین کیفری صورت گیرد، ولو آنکه تعریف ارائه شده بر اساس واقعیت‌های سیاسی ارائه شده باشد و نه بر اساس منطق حقوقی.

<sup>۱</sup> - نقدی، حجت، همان، ص ۱۷.

### ۱: تعاریف حقوقی ارائه شده از تروریسم

مسئله تعریف تروریسم سالهاست که جامعه بین‌المللی را به خود مشغول کرده است. متخصصان حقوقی در عرصه بین‌المللی حداقل از اوایل قرن بیستم درگیر در ارائه تعریف از تروریسم بوده‌اند. بیشتر بحثهای بین‌المللی در این زمینه خنثی مانده است، زیرا دولتها در مورد این پرسش که آیا دولت نیز می‌تواند به عنوان تروریست قلمداد شود یا خیر و این که آیا اعمال خشونت‌آمیز جنبشهای آزادی بخش می‌تواند تروریستی تلقی گردد یا خیر، موضعی متفاوت و گاهی متضاد اختیار نموده‌اند. از این رو ناکامی جامعه بین‌المللی در تعریف تروریسم، علتی سیاسی، و نه فنی دارد. دولت‌های سرخورده، ناتوان یا آنها که قربانی جرایم اقتصادی و اجتماعی هستند، یا از خود چنین چهره‌ای ترسیم می‌کنند از گردن نهادن به تعریفی صرفاً شکلی یا مبتنی بر واقعیات از تروریسم سرباز می‌زنند.<sup>۱</sup> نتیجه این منازعات آن است که در عرصه بین‌المللی تروریسم عمدتاً به صورت خاص و مصداقی مورد تعریف قرار گرفته و نه به صورت عام و کلی. در یک نگاه کلی می‌توان گفت مه برای ارائه تعریف از یک جرم به طور کلی دو شیوه وجود دارد؛ شیوه کلی و شیوه جزئی. این شیوه ارائه تعریف در مورد تروریسم نیز مصداق دارد. در تعریف به شیوه جزئی برخی از انواع خاص فعالیت‌ها را به عنوان تروریسم می‌شناسند نظیر هواپیما ربایی، گروگان‌گیری و... بدون این که در پی ارائه یک طبقه‌بندی کلی از تروریسم باشند. شیوه کلی، بر عکس در پی رسیدن به یک تعریف مفهومی از تروریسم است که این هدف را با توجه به ملاک‌هایی نظیر قصد، انگیزه و... دنبال می‌کند. این دو شیوه کاملاً از هم بیگانه نیستند و از این روی هر دوی این روشها می‌توانند در یک تعریف واحد به کار گرفته شوند.

---

<sup>۱</sup> - فلوری، موریس، حقوق بین‌الملل: ابزارای برای مبارزه با تروریسم، ترجمه سید قاسم زمانی، تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، همان، ص ۲۹۱.

### ۱-۱: تعریف خاص

بر اساس این دیدگاه، متخصصان حقوقی در عرصه بین‌المللی به جای تلاش برای ارائه یک تعریف کلی از تروریسم، سعی نموده‌اند تا برخی از مصادیق آن را بر شمرند، نظیر هواپیما ربایی، گروگان‌گیری و... واضح است که اتخاذ این دیدگاه در تعریف از تروریسم بر اساس شرایط خاص زمانی صورت گرفته است و در هر حال سعی بر این بوده است تا از حساسیت سیاسی مرتبط با ارائه تعریف گسترده و کلی از تروریسم دوری شود. نتیجه این که در حال حاضر ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی وجود دارد که هر یک به گونه‌ای مصداقی خاص بر تروریسم افزوده‌اند.

این کنوانسیونها عبارتند از:

- ۱- کنوانسیون مقابله با جرایم و سایر اعمال ارتكابی در هواپیما، توکیو ۱۹۶۳،
- ۲- کنوانسیون مقابله با تصورف غیر قانونی هواپیما، لاهه ۱۹۷۰،
- ۳- کنوانسیون مقابله با اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی هواپیمایی کشوری، مونترال ۱۹۷۱،
- ۴- کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مامورین دیپلماتیک، نیویورک (سازمان ملل متحد) ۱۹۷۳،
- ۵- کنوانسیون بین‌المللی مقابله با گروگانگیری، نیویورک (سازمان ملل متحد) ۱۹۷۹،
- ۶- کنوانسیون محافظت فیزیکی از مواد هسته‌ای، وین ۱۹۸۰،
- ۷- پروتکل مقابله با اقدامات غیر قانونی خشونت‌آمیز در فرودگاههایی که در خدمت هواپیمایی کشوری بین‌المللی است (الحاقی به کنوانسیون مونترال ۱۹۷۱)، مونترال ۱۹۸۸،
- ۸- کنوانسیون مقابله با اقدامات غیر قانونی علیه ایمنی دریانوردی، رم ۱۹۸۸،
- ۹- پروتکل مقابله با اقدامات غیر قانونی علیه سکوهایی ثابت در فلات قاره (الحاقی به کنوانسیون مقابله با اقدامات غیر قانونی علیه ایمنی دریانوردی)، رم ۱۹۸۸،

۳۳۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

- ۱۰- کنوانسیون علامت‌گذاری مواد منفجره پلاستیکی به منظور ردیابی آنها، مونترال، ۱۹۹۱.
- ۱۱- کنوانسیون بین‌المللی مقابله با بمب‌گذاری تروریستی، نیویورک (سازمان ملل متحد) ۱۹۹۷.
- ۱۲- کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تامین مالی تروریسم، نیویورک (سازمان ملل متحد) ۱۹۹۹.
- ۱۳- کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تروریسم هسته‌ای، ۲۰۰۵.

هر یک از این کنوانسیون‌ها بدون آنکه ملاک و معیاری را برای شناسایی تروریسم معرفی کنند، مصداقی جدید را بر آن در عرصه بین‌المللی افزوده‌اند بدون آنکه این مصداق‌ها شباهتی به هم داشته باشند و یا با ملاک واحدی به هم قابل اتصال باشند.<sup>۱</sup> با این حال ارائه تعریف به صورت جزئی و موردی این حسن را دارد که جلوی هر گونه تفسیر و یا سوءاستفاده‌های سیاسی را از تعریف تروریسم می‌گیرد، چرا که در تعاریف کلی و مفهومی پیدا کردن مصادیق تعریف یکی از چالش‌هایی است که می‌تواند منجر به سوءاستفاده مجریان قانون از اختیاراتشان شود. به عبارتی زمانی که به طور کلی به کنوانسیون‌های بین‌المللی ارجاع داده می‌شود، و یا جایی که ملاک‌هایی برای تعریف تروریسم ارائه می‌گردد، راه برای سیاست‌مداران باز خواهد بود تا تروریسم را آن گونه که می‌خواهند و به مصلحت‌شان است تفسیر نمایند، اما جایی که اقدامات خاصی به عنوان تروریسم شناخته شوند، راه بر چنین تفسیری مسدود خواهد بود. اگر چه باید گفت که برشمردن اقدامات تروریستی به صورت خاص و موردی، نمی‌تواند به طور کامل اهداف ما را در راستای مبارزه با تروریسم بر آورده کند، زیرا در صورت پذیرش چنین شیوه‌ای برای تعریف، باید همواره به دامنه آن توجه داشت و در پی گستردگی و انطباق دامنه آن با توجه به مصادیق جدید بود، بویژه که این واژه و

---

<sup>۱</sup> - در نظام حقوقی ایران نیز تعریف مصداقی پذیرفته شده است. گرچه این مصادیق همگی در یک سند قانونی ذکر شده است با این حال این امر تأثیری در ماهیت مصداقی تعریف ندارد. ماده یک قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم، مصادیق اقدامات تروریستی را در قالب چند بند بیان می‌کند:

واژه های مشابه آن از سیالیت مصداقی برخوردارند و همین امر اقتضای وجود برخی از شاخص های سیالیت را در تعریف ایجاد می کند.

مشکل دیگری که در ارتباط با ارائه یک تعریف جزئی از تروریسم وجود دارد این است که همزمان با ظهور اشکال جدید تکنولوژی، شیوه های جدیدی از اقدامات تروریستی به ظهور خواهند رسید که برای تحت پوشش قرار دادن آنها، احتمالاً وجود یک تعریف کلی از تروریسم مورد نیاز می باشد. گرچه این مشکل می تواند با تهیه یک لیست گسترده از جرایم تروریستی که اشکال جدید اقدامات تروریستی را نیز در بر گرفته و قابل حذف و اضافه نیز باشد، رفع گردد، اما این امر، قانون گذاری را با مانع مواجه کرده، و فرایند قانون گذاری و مقابله با اقدامات خشونت بار تروریستی را با کندی همراه می سازد، به گونه ای که سرعت مبارزه با اقدامات تروریستی را سلب می کند و پس از انجام هر اقدام تروریستی باید در پی صورت دادن یک واکنش قانونی جدید به موضوع بود.

## ۲-۱: تعریف عام

این شیوه تعریف در مقابل تعریف خاص از تروریسم قرار دارد. در این رویکرد تلاش می شود تا نسبت به ارائه یک تعریف کلی و مفهومی از تروریسم اقدام شود. در سال های اخیر و در نتیجه حوادث اتفاق افتاده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ششمین کمیته مجمع عمومی سازمان ملل، تلاش نمود تا تعریفی جامع از تروریسم ارائه نماید. ماده (۱) ۲ پیش نویس کنوانسیون جامع تروریسم بین المللی مقرر می داشت: «هر شخصی مرتکب یکی از جرایم داخل در این کنوانسیون می گردد، چنان چه آن شخص به هر وسیله ای به صورت غیرقانونی و عمدی:

الف) موجب مرگ یا صدمه شدید بدنی به فرد دیگری شود،

ب) موجب ایراد خسارت شدید به اموال عمومی یا خصوصی گردد، از جمله یک مکان مورد استفاده عمومی، امکانات دولت یا حکومت، سیستم حمل و نقل عمومی، تسهیلات زیربنایی یا محیط زیست ،

ج) موجب ایراد خسارت به اموال، اماکن، تسهیلات یا سیستمهای مورد اشاره در قسمت ب گردد، به گونه‌ای که این خسارت منجر بهزیان اقتصادی عمده گردیده و یا احتمال چنین زبانی وجود داشته باشد مشروط بر این که هدف از انجام این عمل، بر اساس ماهیت و یا زمینه ارتکاب آن، ترساندن مردم و یا وادار ساختن یک کشور و یا یک سازمان بین‌المللی به انجام و یا عدم انجام یک عمل باشد.»

از دیگر تعاریف از این دست در عرصه بین‌المللی، تعریف ارائه شده در قطعنامه ۱۵۶۶ مصوب اکتبر ۲۰۰۴ شورای امنیت است. بند ۳ این قطعنامه مقرر می‌داشت: «شورای امنیت مجدداً یادآوری می‌نماید که اعمال کیفری شامل اعمالی که با قصد سلب حیات یا ایراد جراحت جسمانی شدید علیه غیر نظامیان ارتکاب می‌یابد، یا گروگانگیری که با هدف تولید جو وحشت در عرصه عمومی یا در میان گروهی از اشخاص یا اشخاصی خاص و یا با هدف ارعاب یک جمعیت یا وادار ساختن یک حکومت یا یک سازمان بین‌المللی به انجام یا ترک فعلی صورت پذیرد، همان گونه که توسط کنوانسیون‌های بین‌المللی و پروتکل‌های مربوط به تروریسم تعریف شده، عمل مجرمانه بوده و تحت هیچ شرایطی به موجب ملاحظات سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک، نژادی، اخلاقی، مذهبی یا دیگر ملاحظات مشابه قابل توجیه نیستند.»

در پیش نویس اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی نیز تروریسم به این صورت تعریف شده بود، که البته در تصویب نهایی مورد پذیرش قرار نگرفت: «تروریسم بین‌المللی عبارت است از: ۱- ارتکاب، سازماندهی، حمایت، دستور، تسهیل، تامین مالی، تشویق یا تحمیل اقدامات خشونت‌آمیز علیه دولت دیگر که اشخاص یا املاک را با هدف ایجاد وحشت، ترس یا احساس ناامنی در اذهان عمومی، گروه‌هایی از افراد یا عامه مردم یا جمعیت با هر ملاحظه و هدف سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک، نژادی، قومی، مذهبی یا از این قبیل برای توجیه آن، هدف قرار می‌دهد. ۲- اقداماتی که بر اساس کنوانسیون-های زیر جرم شناخته شده است: کنوانسیون منع اقدامات غیر قانونی علیه امنیت هوانوردی، کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بی‌المللی، کنوانسیون منع توقیف غیر قانونی هواپیما، کنوانسیون مبارزه با گروگان‌گیری، کنوانسیون منع اقدامات غیرقانونی علیه امنیت دریانوردی و کنوانسیون منع اقدامات

غیرقانونی علیه تاسیسات مستقر در فلات قاره. ۳- جرمی که در بردارنده استفاده از سلاح گرم، تسلیحات، مواد منفجره و مواد خطرناک باشد که وقتی به عنوان وسیله ای برای انجام خشونت غیرتبعیض آمیز استفاده شود، موجب مرگ یا جراحت بدنی جدی افراد یا گروهی از افراد یا خسارت جدی به املاک می شود.»

## ۲: مرجع تعریف تروریسم

حاکمیت به طور کلی از سه قسمت قانون گذاری، اجرایی و قضایی تشکیل شده است و با توجه به وظایف هر یک از این سه بخش به نظر واضح می رسد که مطابق با کارکرد هر یک از اجزا و عناصر حاکمیت، وظیفه تعریف اقدامات تروریستی یا هر رفتار دیگر، به عنوان یک جرم بر عهده قانون گذاری است که این خود برخاسته از اصل قانونی بودن جرایم و از اصول مسلم و ریشه دار حقوق کیفری است. اما این امر مانع از آن نیست که در بسیاری از موارد بر اساس شیوه قانون گذاری، تعیین مصادیق برای برخی از مفاهیم مجرمانه به نهادهای اجرایی سپرده شود و این از آن روست که در موارد چندی قانون گذار تنها به لفظ تروریسم اشاره می کند و دریافت مفهوم آن را بر عهده دادگاه می گذارد.<sup>۱</sup>

این موضوع نباید به گونه ای بیان شود که منجر به ایجاد این فهم گردد که دو نوع قانون گذاری وجود دارد و در کنار قانون گذاری پارلمانی، قانون گذاری اجرایی نیست قابل تصور است. قانون گذاری به عنوان یک حق و تکلیف بر عهده قانون گذار است و به صورت مستقیم این حق قابل واگذاری نیست، ولی با این حال این مانع از آن نیست که قضات به تفسیر برخی از مقررات قانونی نیازمند تفسیر اقدام نمایند که همیشه نیز این کار را انجام می دهند. بدین ترتیب قانون گذاران تنها به ذکر مفهوم و در مواردی ذکر جزئیات آن می پردازند و تعیین محدوده آن را به قضات دادگاه ها و یا در برخی از موارد نهادها و دستگاههای اجرایی می سپارند. این حقیقت که چنین مصادیقی در قانون

<sup>۱</sup> - نمونه این مورد را می توان در قوانین کیفری ایران به صورت گسترده ملاحظه نمود. به عنوان نمونه: هم چنین ماده (۱) ۱۹ قانون مهاجرت کانادا.

۳۴۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

تعریف نشده‌اند، بدین معنا است که صرف ذکر این تعریف توسط قانون‌گذار نقطه آغازی برای برخورد با این اقدامات است. بدین ترتیب وظیفه تعیین این که ملاک‌های واقعی و دقیق در تعیین این که تروریسم به واقع چیست، بر عهده دادگاه‌ها خواهد ماند. این وظیفه دادگاه‌ها وظیفه بزرگی بوده و دادگاه را در حد قانون‌گذار قرار خواهد داد. فارغ از این که قانون‌گذار تروریسم را تعریف نماید یا دادگاه‌ها، این سؤال هم چنان وجود خواهد داشت که چگونه باید مرز میان اختیارات قانون‌گذار و دادگاه‌ها ترسیم گردد؟ قانون‌گذار تنها به ذکر لفظ اکتفا نموده و میدان را به نفع دادگاه‌ها خالی کند یا این که تعریف دقیقی از لفظ ارائه کند و تعیین مصادیق را به دادگاه بسپارد؟ قانون‌گذاری به شیوه نخست راه را برای پاسخ به تروریسم به عنوان جرمی که سرعت تحول آن بالا است، باز خواهد گذاشت.<sup>۱</sup> در واقع مهمترین مزیت این شیوه، انعطاف پذیری و قابلیت انطباق آن با مصادیق جدید است. در توجیه این سبک می‌توان گفت که دادگاه‌ها باید قادر باشند تا تعریف قانونی ارائه شده را به شکلی به کار گیرند که تمامی شیوه‌های جدید و تحول یافته عمل مجرمانه که از سوی قانون‌گذار قابل پیش‌بینی نبوده را نیز در بر بگیرد. هر چند لازم به ذکر است که این انعطاف‌پذیری ممکن است نهایتاً با انباشته شدن رویه‌ها، خود دور از دسترس گردد.

انعطاف‌پذیری این روش نباید مانع از نقش قانون‌گذار در ارائه تعاریف قانونی گردد. تعریف ملاک‌های کلیدی تروریسم توسط قانون‌گذار مزایای بسیاری دارد. مهمترین دلیل برای نقش اساسی قانون‌گذار در تعریف تروریسم این است که پارلمان به عنوان یک رکن دموکراتیک، بهترین گزینه برای تعیین ارکان تروریسم می‌باشد. به علاوه که عواقب و نتایج یک عمل به عنوان اقدام تروریستی به گونه‌ای بوده که لزوم دخالت گسترده قانون‌گذار در ارائه یک تعریف از آن را می‌طلبد.

<sup>۱</sup> - برای توضیح در مورد این شیوه قانونگذاری رجوع کنید به:



بر این اساس، ارائه تعریف قانونی از تروریسم توسط قوه قانون‌گذاری مناسب‌تر است، چرا که قوانین مصوب در دسترس بوده و در بیشتر موارد تمامی افراد قادر به دسترسی به آن می‌باشند و حال آن که تفسیر دادگاه‌ها که در قالب پرونده‌های خاص ظهور می‌کند همیشه و برای همه در دسترس نبوده و نمی‌توان همگان را نسبت به آن آگاه فرض نمود.

### نتیجه‌گیری

از نظر تاریخی تروریسم با گرایش سیاسی خود به یک سری از فعالیت‌های دولتی اشاره داشت که قصد از ارتکاب آن ایجاد یک حالت ترس و وحشت بود، ولی بالعکس امروزه برای توصیف فعالیت‌ها و اقدامات خشونت‌آمیزی استفاده می‌شوند که بر ضد دولت هدایت صورت می‌گیرند یا آنکه قصد نهایی آنها اعمال فشار بر دولت است. این دوگانگی نشان می‌دهد که تروریسم اساساً یک ساختار اجتماعی است که تعریف آن متناسب با گروه اجتماعی یا سازمانی که از آن استفاده می‌کند، متفاوت می‌باشد.<sup>۱</sup> اگر دولت آن را تعریف کند، واژه را به اقدامات علیه خود اختصاص می‌دهد و اگر مخالفان یک دولت یا انقلابیون در صدد تعریف آن باشند، به خشونت‌های دولتی برای بیان مصادیق ترور اشاره می‌کنند.

اعمال وحشتناکی که در دوران انقلاب فرانسه به عنوان نقطه آغاز پیدایش تروریسم به صورت رسمی صورت گرفت، با دو هدف انجام می‌شد: از یک سو اینکه دشمنان انقلاب را بترساند و در دل آنها ترس از انقلاب را ایجاد نماید و از سوی دیگر مردم انقلابی را دلگرم نماید و آنها را از جانب مخالفان انقلاب مطمئن سازد. این نقطه آغاز، خود بیانگر دو مفهوم متضاد از تروریسم است. در این تلقی انجام اقدامات تروریستی برای حامیان انقلاب امریست ضروری از این جهت که یک آرمان را محکم می‌سازد و

<sup>۱</sup> - آدام، الکساندر، مبارزه با تروریسم؛ مطالعه تطبیقی اتحادیه اروپا-ایالات متحده آمریکا، ترجمه ابوالحسن شکر، نشر سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، چاپ اول ۱۳۸۸، ص ۲۰.

۳۴۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

برای مخالفان انقلاب وحشتی است که در صورت بروز مخالفت با انقلاب، دامن آنها را خواهد گرفت.

از آن زمان تاکنون گرچه تروریسم دوران مختلفی را به خود دیده است و در بسیاری از جهات دچار تغییرات اساسی شده است، اما همچنان در این نکته اساسی با ریشه‌های ابتدایی خود هم عقیده است و همچنان واژه‌ای است که با هر طرز تلقی، بار ارزشی متفاوتی را به خود خواهد گرفت و این همان تلقی عامیانه‌ای است که بر اساس آن کسی که از نظر یکی تروریست است از نظر دیگری مبارز راه آزادیست و این برداشت بسته به این است که از چه زاویه‌ای واقعه مورد بحث نگریسته شود و ارتباط ما به عنوان تلقی‌گر نسبت به این واقعه چگونه است؛ ارتباطی وابسته یا ارتباطی گسسته. اگر ارتباط ما از نوع نخست باشد بدون تردید واقعه مورد نظر تروریسم نخواهد بود و در غیر اینصورت بدون تردید اقدام صورت گرفته تروریستی است و این قضاوت فارغ از نوع عمل، شخصیت مرتکب و انگیزه در ذهن ما جای خواهد گرفت. بر همین مبنا است که ارائه تعریفی از تروریسم به نظر می‌رسد که نه امری ممکن است و نه امری فایده‌مند.

این بحث کوتاه ما را به این نتیجه می‌رساند که تروریسم نیز همچون بسیاری از مفاهیم دیگر قابل تعریف نیست و آنچه که آن را شکل می‌دهد برداشت‌های مختلف از آن و رویکردهای مختلف به آن است و از این رو راهکار پیش روی ما این خواهد بود که آن را از دایره حقوق کیفری خارج کنیم یا با دستاویز به آن ظلم‌ها کنیم و ظلم‌ها ببینیم.

### منابع

- اردبیلی، محمد علی، **مفهوم تروریسم**، تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین-الملل (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش)، تهران، روزنامه رسمی، چاپ اول تابستان ۱۳۸۱.
- آدام، الکساندر، **مبارزه با تروریسم؛ مطالعه تطبیقی اتحادیه اروپا-ایالات متحده آمریکا**، ترجمه ابوالحسن شکری، نشر سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، چاپ اول ۱۳۸۸.
- آشوری، داریوش، **دانشنامه سیاسی**، تهران، انتشارات سهروردی، ۱۳۶۴، صص ۹۹-۹۸.
- پیتر گازر، هانس، **اقدامات تروریستی و تروریسم از منظر حقوق بین الملل بشر دوستانه**، ترجمه مریم نوروزی و طیبه اسدی، مجله پژوهش حقوقی، شماره هشتم، دی ماه ۱۳۸۳.
- جلالی، محمود، **تروریسم از دیدگاه حقوق بین الملل با تاکید بر حادثه ۱۱ سپتامبر**، نامه مفید، سال یازدهم، شماره ۵۲، اسفند ماه ۱۳۸۴.
- خانابانی، پریسا، **ضوابط حقوق بشری مبارزه با تروریسم بین المللی**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، پاییز ۱۳۸۳.
- دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، زیر نظر دکتر معین، تهران، انتشارات چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- دیلیاک، عبدالرحمن، **تروریسم**، ترجمه واحد تدوین و ترجمه معاونت فرهنگی، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول پاییز ۱۳۶۸.
- ره‌پیک، سیامک، **تحلیل تروریسم در نسبت مفهومی امنیت و منافع ملی**، در تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده به همایش)، چاپ روزنامه رسمی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱.
- شاملو، باقر، **تفکیک بین تروریسم و جرم سیاسی**، در تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده به همایش)، چاپ روزنامه رسمی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱.
- عالی پور، حسن، **اقدامات تروریستی: موقعیت سنجی قانونی، ضرورت سنجی تقنینی**، در مجله برداشت دوم، سال چهارم، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۶

۳۴۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

عبداللهی، محسن، مفهوم تروریسم بین‌المللی و تعریف آن در جامعه بین‌المللی، در عبداللهی، محسن، کیهانلو، فاطمه، سرکوب تروریسم در حقوق بین‌الملل معاصر، اداره چاپ و انتشارات ریاست جمهوری، چاپ اول، ۱۳۸۴.

عبداللهی، محسن، پیامدهای حوادث یازده سپتامبر بر مبارزه با تروریسم، ماهنامه حقوقی (معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری) سال اول، شماره اول، آبان ۱۳۸۱.

عبداللهی، محسن، کیهانلو، فاطمه، سرکوب تروریسم، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ اول ۱۳۸۴.

فلوری، موریس، حقوق بین‌الملل: ابزاری برای مبارزه با تروریسم، ترجمه سید قاسم زمانی، در: تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، گردآوری و ویرایش علیرضا طیب، تهران، نشر نی، چاپ دوم ۱۳۸۴.

گانر، برایان. آ، فرهنگ حقوقی بلک، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷.

نقدی، حجت، حقوق بین‌الملل و مبارزه با تروریسم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۱۳۷۵.

هیگنیز، روزالین، حقوق بین‌الملل عام تروریسم، ترجمه زهرا کسمتی، در: تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، گردآوری و ویرایش علیرضا طیب، تهران، نشر نی، چاپ دوم ۱۳۸۴.

Levitt, Geffery, **Is terrorism Worth Defining?** Ohio Northern University Law Review, No 13, 1986.

Kondrasuk, Jack. N, **The Effect of 9/11 and Terrorism on Human Resource Management: Recovery, Reconsideration and Renewal**, Employee Responsibilities and Rights Journal, Vol 16, No 1, March 2004.

Lyria Bennett Moses, **Adopting Law To Technological Change; A Comparison Of Common Law and Legislation**, University Of New South Wales Law Journal, 2003.

Richard. R Boxter, **A Skeptical Look at The Concept of Terrorism**, Akron Law Review, 1974.